

# Rational Choice Institutionalism

Kenneth A. Shepsle

خلاصه مفهومی از مقاله «نهادگرایی انتخاب عقلایی»

تهیه و تنظیم: مرضیه یانی

مقدمه

در این مقاله با ترکیب «تئوری انتخاب عقلایی» با «تئوری نهادگرایی» اهداف ذیل دنبال می شود:

- ۱- تفسر نهادها به کمک تئوری انتخاب عقلایی
- ۲- درک نهادهای ساختاریافته و غیر ساختار یافته
- ۳- بیان محدودیتهای تئوری نهادگرایی انتخاب عقلایی

**«اشتیاق و علاقه غیرمنطقی به عقلانیت بی عاطفه، تمام لذت زندگی را از بین خواهد برد.»**

تئوری انتخاب عقلایی طی چهاردهه به عنوان جزء اصلی علوم سیاسی مطرح بوده است. و به موتور تحقیقات علوم اجتماعی تبدیل شده است. نظریه گزینش عقلانی، جامعه را مجموعه ای از افراد می داند که کنش عقلانی دارند. یعنی بر اساس این نظریه، کنشگر کنشی را انتخاب می کند که حداکثر فایده را برای او دارد. کنش عقلانی در این منظر، معطوف به هدف در تعریف وبر یا کنش مبتنی بر عقلانیت ابزاری است. از جمله نکات مهم این نظریه آن است که کنش در راستای نیل به اهدافی عمل می کند که با سلسله مراتب رجحان کنشگر هماهنگی دارد. به عبارتی جوهره این نظریه منطق تصمیم گیری رامشخص می کند و روشی است که به کمک آن افراد اولویتهای خود را مشخص نموده و سپس انتخاب می کنند.

تئوری انتخاب عقلایی عبارتست از فرایندهای محاسباتی و منطقی

برای تصمیم گیری و تعیین اولویت افراد

## تفسیر نهادها

نهاد<sup>۱</sup>، سندی است که قواعدی را برای ارتباطات و تعاملات انسانها تنظیم می کند. سه تفسیر متفاوت در مورد نهادها وجود دارد:

### تفسیر اول:

نهادها را بعنوان یک ساختار بیرونی یا یک شکل بازی که از بیرون قواعد بازی را بر افراد تحمیل می کند، تفسیر نمودند. در این تفسیر نهاد یک فرم بازی است، یک سند ارائه شده به شکل خارجی است که راههای مختلفی را برای توسعه تعامل استراتژیک فراهم می آورد. این بازی در صورتی که ترجیحات بازیگران را بدانیم از شکلی به شکل دیگر تغییر میکند.

**مثال:** فرض کنید در یک نهاد انتخاباتی ۲ کاندیدا و  $n$  رای دهنده وجود دارد. هر یک از این دو کاندیدا یک وضعیت سیاسی را انتخاب می کنند. هر یک از کاندیدا انتخاب کاندید دیگر را نمی دانند، اما ترجیحات رای دهندگان را می دانند. در این جا قاعده مشهور " رای دهنده میانه"<sup>۲</sup>، به کار میرود: کاندیدایی که نزدیکترین سیاست مرجح رای دهنده میانه را شناسایی کند، برنده انتخابات می گردد. به عبارتی در این بازی ساختار نهادی کسی می برد که نزدیکترین فرد به همه جناح ها باشد.

۱- نهاد عبارت است از روش تنظیم روابط انسانی - اجتماعی و چگونگی انجام امور و رفتارهای اجتماعی

۲- قاعده رای دهنده میانه برای سیستم انتخاب حداکثری مناسب است. برای درک بهتر منطق مدل رای دهنده میانه مثالی را در نظر می گیریم که در آن سه شخص آل، باب و چارلی قرار دارند که یک رستوران را برای ناهار انتخاب کنند، آل رستورانی را ترجیح می دهد که در آن ناهار پنج دلار پرداخت کند، نظر باب رستورانی است که سرویس ناهار آن ۱۰ دلار است و چارلی رستوران لوکس و گرانی را ترجیح می دهد که بهای ناهار آن حدود ۲۰ دلار است. در این مثال باب یک رای دهنده میانه است زیرا تعداد اشخاصی که قیمتی بالاتر از قیمت پیشنهادی باب را می پذیرند با تعداد افرادی که قیمت پایین تر از قیمت باب پرداخت می کنند به طور نسبی برابر است. برای راحتی بیشتر فرض کنید که هر کدام از اعضای تیم ناهار از بین دو انتخاب، قیمت نزدیک به قیمت مورد نظر خود را اولویت می دهد. این قاعده در حالت ضعیف بیان می کند رای دهنده های میانه همیشه به سیاست های مورد قبول خودشان رای می دهند، توجه کنیم که باب همیشه به نفع نتیجه برنده شونده در انتخابات رای می دهد و همچنین توجه کنیم که رستوران ۱۰ دلاری انتخابی باب پیروز این انتخاب خواهد بود

جدول شماره ۱				
نتیجه	الگوی رایها			گزینهها
۵ دلار	چارلی: ۲۰ دلار	باب: ۵ دلار	آل: ۵ دلار	۵ دلار در برابر ۲۰ دلار
۱۰ دلار	چارلی: ۲۰ دلار	باب: ۱۰ دلار	آل: ۱۰ دلار	۲۰ دلار در برابر ۱۰ دلار
۱۰ دلار	چارلی: ۱۰ دلار	باب: ۱۰ دلار	آل: ۵ دلار	۵ دلار در برابر ۱۰ دلار

تعادل نش<sup>۳</sup> به حالت پایداری در یک بازی اطلاق می‌گردد که با فرض ثابت بودن راهبرد سایر بازیکنان، یک بازیکن با تغییر بازی خود نتواند به شرایط بهتری دست یابد. شل (۱۹۷۹)، آن را تعادل ساختاریافته ناشی از بازی نهادی نامید.

### تفسیر دوم :

نهادهای را به‌عنوان یک داده خارجی در نظر نمی‌گیرند. بلکه نهادها عبارت است از روش‌ها و قوانینی که بازیگران خودشان انتخاب می‌کنند و ترجیح می‌دهند با استفاده از آن قوانین بازی کنند. نهادها برساخته افراد در تعاملاتشان می‌باشد.

**مثال:** گروهی از کودکان بازی بیس‌بال را به‌عنوان نقطه شروع بر تعاملات خود انتخاب کنند، با اینکه برای این بازی یک سری اصول و قوانین خاص وجود دارد ولی ممکن است، آنها بازی را با شرایط یا سلیقه خاص خود تطبیق دهند. و در یک روز خاص، کودکی که چوب و توپ را آورده ممکن است بر تغییر در این قانون‌های ثابت بیش از حد پافشاری کند و یا شاید در وضعیتی قرار گیرد که دیگران را ترغیب کند که ترجیح او را بپذیرند.

به طور قطع هیچ جاندار جداگانه و خاص بیرونی وجود ندارد که ما آن را به‌عنوان نهاد شناسایی کنیم بلکه نهاد همان رفتار عقلایی خود ما و انتظاراتی است که ما در مورد رفتار و عکس‌العمل دیگران داریم. (به عبارتی هر فرد خودش یک استراتژی‌هایی دارد و یک توقعاتی هم از دیگران دارد که تشکیل یک نهاد می‌دهد.)

نهادهای راه‌های توازن بخش تصمیمات افراد و انجام کارها هستند.

### تفسیر سوم

نهادهای را سازه‌های کلان تاریخی می‌داند در این تفسیر نهادها جادویی هستند و فقط بر اساس نیروهای پیچیده و اساساً غیر قابل شناخت شکل می‌گیرند. نهادها میراثی هستند که به ما رسیده‌اند مثل قانون و هر قانونی یک صخره مرجانی است که اجزاء آن طی سالهای طولانی جمع شده‌اند و شکل گرفته‌اند. مانند بردگی، نظام فئودالسیست، حق مالکیت و زبان. در این دیدگاه

۳- براساس نظریه تعادل نش، اگر فرض کنیم در هر بازی با استراتژی مختلط، بازیکنان به طریق منطقی و معقول راهبردهای خود را انتخاب کنند و به دنبال حد اکثر سود در بازی هستند، دست کم یک راهبرد برای به دست آوردن بهترین نتیجه برای هر بازیکن قابل انتخاب است و چنانچه بازیکن راه کار دیگری به غیر از آن را انتخاب کند، نتیجه بهتری به دست نخواهد آورد به عبارتی تعادل نش به حالت پایداری در یک بازی اطلاق می‌گردد که با فرض ثابت بودن راهبرد سایر بازیکنان، یک بازیکن با تغییر بازی خود نتواند به شرایط بهتری دست یابد.

نهادها، فعالیتهای کلان اجتماعی هستند که به وسیله وقوع حوادث تاریخی، شکل گرفتند و قوام یافتند. به عبارتی هیچ معماری متولی شکل گیری نهادها نبوده است و نهادها به تدریج و در طی زمان شکل گرفته اند.

## ۲- نهادهای ساختاریافته و غیر ساختاریافته

نهاد ساختاریافته به نهادهایی گفته می شود که قواعد، مقررات و ساختارهای روشنی دارند. نسبت به نهادهای دیگر در طول زمان همچنان قدرتمند هستند. این نهادها در طول سالها کاملاً پایدار باقی مانده اند. کنگره آمریکا، کابینه مجلس، دادگاه، اداره های اجرایی، سازمان های نظارتی، بانک مرکزی، کمیته انتخاباتی، حزب های سیاسی، دربارهای سلطنتی و یا ارتش ها نمونه هایی از نهادهای ساختاریافته هستند. اما این نهادهای ساختاریافته بسته به میزان پایداری و قدرتشان متفاوت هستند.

بعضی نهادها کمتر ساختاریافته اند. این نهادها همانند نهادهای ساختاریافته، ممکن است به عنوان یک مدل شناخته شوند و با وجود بی نظمی الگوهایی که آنها را ایجاد می کنند، به رسمیت شناخته شوند. عرف و سنت مثالی از یک نهاد ساختاریافته است.

### ۲-۱- نهادهای ساختاریافته

تنها و بزرگترین موفقیت تئوری نهادگرایی انتخاب عقلایی، در تحلیل نهادهای ساختاریافته است.

عواملی که این تجزیه و تحلیل دقیق را تسهیل می کنند، موارد ذیل می باشد:

۱- سیاستمداران در این تشکیلات به شیوه ای نسبتاً مشخص انتخاب می شوند. همانند: انتخاب مجلس قانونگذاری یا ادارات حزبی، قراردادهای دادگاه ها، آژانس های نظارتی یا پست های اجرایی بالاتر.

۲- اهداف سیاستمداران را می توان با دقت و با توجه به اهداف انتخابات مشخص کرد.

۳- موارد رفتاری سیاستمدارانه توسط قوانین و فرآیندهای نهادی مشخص می شود. برای مثال یک قانونگذار ممکن است در محل کار از جانب رئیس جمهور به رسمیت شناخته شود و یا به رسمیت شناخته نشود. اگر او به رسمیت شناخته شود، امکان دارد دستور یک حرکت اساسی برای یک ثانیه، حرکت اصلاحی و رویه ای (در لیست گذاشتن، تعهد، متوقف کردن و غیره) را بدهد. بعضی از آنها توسط قوانین، مجوز دستور دادن دارند و بعضی از آنها ندارند. اگر انتخابات و رای گیری باشد، ممکن است رای مثبت یا منفی بدهند و یا اصلا رای ندهند. این بدان معناست که "بازی قانون" ممکن است نوشته شود و استراتژی هایی برای سیاستمداران مشخص گردد. در دیگر تشکیلات سازمانی ساختار یافته، مجلات حاوی اطلاعات قضات و بوروکرات ها ممکن است به صورت روشنی به تصویر کشیده شوند.

۴- نتایج به طور واضح به یک پیکره بندی قوانین در یک موقعیت ساختاریافته، دلالت دارد. این قوانین مکانیسمی را جهت متمرکز کردن رفتارها به سمت یک نتیجه نهایی، تعیین می کند. بنابراین هر ترکیبی از مجموعه های رفتاری از طریق سیاستمداران نهادی به سمت یک نتیجه خاص طراحی می شود.

۵- نتایج ممکن است از کارکردهای عینی سیاستمداران استنباط شده باشد. بازیگران سیاسی ترکیبی از مجموعه های رفتاری را که به نتایج مطلوب تر می رسد، ترجیح می دهند. سیاستمداران آن دسته رفتارهایی را ترجیح می دهند که چشم انداز آنها را در نظر رای-دهندگانشان بهبود می بخشد.

سرانجام موضوعی که وجود دارد، ترجیحات رای دهنده است. که سیاستمداری را انتخاب می کند که به عنوان عامل او عمل کند.

نظریه نهادگرایی انتخاب عقلایی در تحلیل نهادهای ساختار یافته، ابزاری موفق است و اگر ما در تحلیل نهاد ساختاریافته ای همچون نهاد انتخابات، به بررسی ترجیحات، اهداف و رفتار سیاستمداران، نتایج، پیامدهای کارکردهای آنها و یا به تحلیل بده-بستانهای رای دهندگان و رای گیرندگان بپردازیم در برنامه پژوهشی نهاد گرایی انتخاب عقلایی قرار داریم و می توانیم پی به منطق انتخاب ببریم.

سطح ارشمیدسی نهادگرایی انتخاب عقلایی، بوسیله ساختار نهادهای ساختاریافته، میسر می‌شود و ماجرای موفقیت بزرگ در برنامه پژوهشی نهادگرایی انتخاب عقلایی، منطق اقدام جمعی<sup>۴</sup> است. مشارکت های فردی هم به صورت فردی هزینه بر است و هم اغلب تنها در کسب یک هدف گروهی مهم است، بویژه در گروه های بزرگ، افراد وسوسه می‌شوند تا از مشارکت پرهیز کنند. بر مبنای این منطق، افراد برای رسیدن به نفع فردی افراد به گزینه سواری مجانی روی می‌آورند.

### راحلهای مشکل مشارکت جمعی

۱- Olson بحث می‌کند که موفقیت در تحریک یک فرد به مشارکت از امید به تحقق اهداف گروه حاصل نمی‌شود (فرد از موفقیت گروه لذت خواهد برد چه مشارکت کرده باشد چه نه، و اینکه سهم او در هر رویدادی ناچیز است)، بنابراین این تحریک به مشارکت باید از منابع دیگری حاصل شود. گروه ها باید قادر باشند چیزهای ارزشمندی را به مشارکت کنندگان ارائه دهند یعنی مزایای انتخابی، نه مزایای جمعی.

۲- افراد خاص ممکن است سهم قابل توجهی از زمان و انرژی و منابع مالی خود را درگیر کنند اما نه به این دلیل که آنها شور و اشتیاق درباره هدف جمعی دارند بلکه به این دلیل که در این امر فرصتی را می‌بینند که این سرمایه‌گذاری را به منافع شخصی سوق دهند.

۳- سومین «راه حل» مشکل مشارکت جمعی، به بهترین وجه در مسئله writ small درک میشود. اکسلورد (۱۹۸۴) با بررسی معمای دو راهی زندان<sup>۵</sup> (PD) راه را برای فهمیدن اینکه چگونه افراد می‌توانند سود سهام همکاری را به دست بیاورند، بدون اینکه پولی پرداخت کنند، روشن کرد. " دو راهی شخص زندانی " یک نمونه از مسابقات سرجمع صفر است. در این وضعیت، دو کنشگر وجود دارند که هر کدام دو راه پیش رو خواهد داشت: همکاری یا ترک همکاری.

۴- افراد معمولاً به دنبال کسب سود و منفعت همگانی نمی‌روند. بلکه در ترجیحات خود به دنبال کسب سود فردی هستند. بنابراین اکثر تصمیمات جمعی با شکست مواجه می‌شود. مکنور اولسون در کتاب " منطق کنش جمعی"، بیان می‌کند که چگونه افرادی که در راستای منافع شخصی خویش عمل می‌کنند، نمی‌توانند تدارک کالاها یا خدماتی که از لحاظ جمعی به نفعشان است، تضمین کنند. از سوی دیگر، بر اساس مدل انتخاب عقلانی، هر کنشگر عاقل ممکن است در موقعیت هایی قرار گیرد که عقلانیت ابزاری به وی حکم کند که نفع فردی (آنی) را انتخاب کند اما منطق آن نوع خاص از موقعیت، به گونه ای باشد که انتخاب گزینه نفع فردی توسط او، نتیجه ای را به دنبال داشته باشد که به زیان همگان باشد. بازی دوراهی زندان به خوبی نشان دهنده این ساخت فاسد است.

۵- prisoners' dilemma (دو راهی زندان)

**مثال:** دو نفر متهم به سرقت مسلحانه، در جریان یک درگیری دستگیر شده‌اند و هر دو جداگانه مورد بازجویی قرار می‌گیرند. در طی این بازجویی با هریک از آن‌ها جداگانه به این صورت معامله می‌گردد:

○ اگر دوستت را لو بدهی تو آزاد می‌شوی ولی او به پنج سال حبس محکوم خواهد شد.

○ اگر هر دو یکدیگر را لو بدهید، هر دو به سه سال حبس محکوم خواهید شد.

○ اگر هیچ‌کدام همدیگر را لو ندهید، هر دو یک‌سال در یک مرکز بازپروری خدمت خواهید نمود.

در این بازی به نفع هر دو زندانی است که هر دو گزینه سوم را انتخاب کنند، ولی چون هر کدام از آن‌ها به دنبال کسب بهترین نتیجه برای خود یعنی آزاد شدن است و به طرف مقابل نیز اعتماد ندارد دوست خود را لو می‌دهد و در نتیجه هر دوی زندانی‌ها متضرر می‌شوند.

السون سومین راه حل مشکل مشارکت جمعی را **repeat play** می‌داند. بازی تکراری اجازه‌ی انجام استراتژی‌های "وابسته به تاریخ" را می‌دهد. بنابراین، در بازی PD در هر زمان  $t$ ، هر بازیکن ممکن است با توجه نحوه بازی در دوره‌های قبلی، رفتار خود را مشروط به تعامل فعلی در بازی قبلی بسازد. بنابراین بازی امروز، نه تنها بازده امروز را تعیین می‌کند، بلکه بر انتخاب‌های رفتاری دیگران نیز تاثیر می‌گذارد. این ممکن است بسته به این باشد که بازیکنان چه مقدار بازدهی در فردا نسبت به امروز داشته باشند.

### ۳- نتیجه‌گیری: محدودیت‌های نهاد‌گرایی انتخاب عقلایی

برنامه‌های نهاد‌گرایی عقلایی، تقریباً از زمان آغاز آن، در یک تاریکی آگاهانه از تمایزات قرار گرفته است. شاید واضح‌ترین شان، عقلانیت محدود است. و بعد از آن ظهور متدولوژی تجربی و اقتصاد رفتاری است که بسیار با آن ارتباط دارد و پس از این دو اقتصاد هزینه-مبادله استو چهارم روایت تحلیلی است. من هر کدام از این‌ها را به طور خلاصه بیان می‌کنم.

#### ۳-۱- عقلانیت محدود

کنشگران عقلایی عمل می‌کنند، ولی در بروز دادن رفتار عقلایی با دو محدودیت رو برو میشوند.

محدودیت اول: اطلاعات ناقص است و افراد به همه اطلاعات دسترسی ندارند. بنابراین نمی‌توانند تصمیم‌های خود را بر مبنای پایه اطلاعاتی متقنی بنا کنند.

محدودیت دوم: حتی اگر اطلاعات در دسترس باشد، توان محاسباتی کنشگران به قدری نیست که بتوانند تمام اتفاقها و احتمالات متناظر آنها را به دقت محاسبه کنند و بر مبنای آن تصمیم درست بگیرند.

## ۲-۳- اقتصاد رفتاری ۶

اقتصاد رفتاری دانشی است که با ترکیب دانسته‌های اقتصادی ما و دستاوردهای دانش روانشناسی و به طور خاص روانشناسی شناختی، می‌کوشد رفتارها و تصمیم‌های اقتصادی ما را بهتر توصیف کرده و تحلیل کند.

برخلاف علم اقتصاد کلاسیک که تصمیم‌گیری اقتصادی را براساس منطق صرف اقتصادی و انتخابی کاملاً منطقی و عقلانی در نظر می‌گیرد، اقتصاد رفتاری برای انجام انتخاب‌های غیرمنطقی نیز احتمالی در نظر می‌گیرد و تلاش می‌کند علت رخ دادن چنین انتخاب‌هایی را نیز تجزیه و تحلیل کند.

یافته‌های اولیه علم اقتصاد رفتاری روندهای کاملاً متفاوتی را در نظریه انتخاب مصرف‌کننده نسبت به اقتصاد کلاسیک آشکار کرده است و بسیاری از ضعف‌های اقتصاد کلاسیک در این زمینه را به ما گوشزد می‌کند و نشان می‌دهد که فرضیه‌های مدل انتخاب منطقی نقص‌های زیادی دارد. بسیاری از مصرف‌کنندگان اصلاً مطمئن نیستند که چه چیزی می‌خواهند و از انتخابات‌هایی که در بلندمدت به نفع آن‌هاست کاملاً بی‌خبرند و این موضوع کاملاً طبیعی است که افراد از تمایلاتشان در آینده با خبر نباشند.

این تئوری همچنین برای کمپانی‌ها و بازاریابانی که با تشویق و ترغیب مصرف‌کنندگان سعی بر افزایش فروششان دارند، یا برای تنظیم سیاست‌های عمومی بسیار کاربردی است.

تاکید اقتصاد رفتاری بر گریز از ضرر است و مصداق آن، اثرات شکل دهنده<sup>۷</sup> و تخفیفات هایپربولیک<sup>۸</sup> است. و واقعیت‌های روان شناختی که در ما وجود دارد عقلانیت استاندارد را زیر سوال می‌برد.

---

۶- نظریه اقتصاد رفتاری توسط استاد بزرگوار آقای دکتر اشتریان تحت عنوان نظریه ترس مطرح گردید. این نظریه در ادبیات کشور ما تحت عنوان اقتصاد رفتاری مطرح است که یک نظریه روانشناختی است که توسط روانشناسان مطرح و منجر به دریافت جایزه نوبل اقتصاد گردیدند. بر اساس این نظریه، یک الگوریتم منظمی برای تصمیم‌گیری وجود ندارد و تصمیم‌گیری افراد همیشه عقلایی و دارای منطق منظم نیست و به دنبال منفعت هم نیست بلکه به دنبال گریز از ضرر است یعنی حالت ترس در تصمیم‌گیری و انتخاب افراد حاکم است.

### 7- framing effects

۸- **hyperbolic discounting**: وقتی فروشنده جنسی را خیلی ارزان می‌دهد ما از آن فرار می‌کنیم و نمی‌خریم و می‌گوییم هر ارزانی بدون حکمت نیست این همان مصداق گریز از ضرر است.



ریشه این موضوع در پژوهش های الویر ویلیامسون (۱۹۸۵) و کاربرد ایده هایش توسط رونالد کوز (۱۹۳۷، ۱۹۶۰) منشاء دارد. در این موضوع، واحد اساسی تجزیه و تحلیل معامله است و نهاد اساسی معاملات قرارداد است. تاکید اصلی آن بر هزینه های جستجو برای شرکای معامله، تهیه توافقنامه ها، پیش بینی احتمالات مرتبط با توافق، ایجاد سازوکار برای تفسیر توافقات در شرایط جدید، نظارت و اجرای انطباق، و برخورد با تخطی ها متمرکز است. به طور خلاصه، مبادله خودکار و بدون هزینه نیست. نیاز به نهادهای حکومتی دارد. پیاده سازی قرارداد نیازمند یک چارچوب حکومتی است.

#### ۳-۴- روایت تحلیلی

روایت تحلیلی مرزبندی بین نهادگرایی انتخاب عقلایی و نهادگرایی تاریخی را مورد نقد قرار میدهد. یعنی یک نهاد را در بستر تاریخی خودش مورد مطالعه قرار می دهید و روایت می کنید. روایت تحلیلی به عنوان یک روش متداول برای مطالعه ساختار سازمانی در زمینه های تاریخی است. یک روایت تحلیلی یک *case study* است به این معنی که هر نهادی ممکن است منطق خاص خودش را داشته باشد و نمی توانیم بگوییم همه نهادها از یک اصول پیروی می کنند چرا که نهادها نسبی هستند.